

## احکام ربیبه از دیدگاه فقه امامیه

مرضیه احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

محرمیت و راه‌های ایجاد آن از دیرباز در فقه مطرح بوده و به مقتضای هر عصری به آن بررسی شده است. محرمیت از سه راه نسب، سبب و رضاع حاصل می‌شود. محرمیت ربیبه از راه سبب ایجاد می‌شود. در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و توصیفی با رویکرد فقهی، شرایط مختلف ازدواج با ربیبه تبیین می‌شود. در باب مصاهره، افرادی که حرمت نکاح دارند در صورتی محرم خواهند بود که فقط از راه مصاهره مشروع باشند و در ضمن در رابطه با ربیبه، علاوه بر شرط مشروع بودن، شرط نزدیکی به مادر نیز در تحقق محرمیت ربیبه، لازم است. اگر هر یک از موارد حرمت نکاح و محرمیت در مجموعه‌هایی در نظر گرفته شوند، محارم به خاطر کوچک بودن مجموعه شان و قرار گرفتن در مجموعه بزرگ محرمات نکاح، حرمت نکاح خواهند داشت، ولی محرمات نکاح در دایره کوچک محارم قرار نمی‌گیرند. این نوع رابطه به عنوان رابطه عموم و خصوص مطلق شناخته می‌شود که بین محارم و محرمات نکاح برقرار است، پس می‌توان گفت که هر محرمی، حرمت نکاح دارد، ولی هر حرمت نکاحی نمی‌تواند موجب محرمیت شود.

**واژگان کلیدی:** ربیبه، مصاهره، نکاح، حرمت، فقه امامیه.

### ۱. مقدمه

فقه شریعت، پدیده‌ای به جامعه ایمانی عرضه کرده و آن ازدواج پراساس قواعد شریعت است. ازدواجی که در دیرینه تاریخ همواره به عنوان عملکرد انسان مطرح بوده در فقه اسلام برای این واقعیت زندگی قواعد و دستوراتی است که در جهت سیر تکاملی انسان، به عنوان امری ضروری معرفی شده است، قواعدی که از بدو ازدواج، یعنی خواستگاری آغاز شده و تمام مراحل آن را شامل می‌شود. یکی از این قواعد که در فقه اسلامی به عنوان امری لازم معرفی شده، رعایت قواعد حرمت بر اثر مصاهره است. در دین اسلام ازدواج مرد با هرزنی، آزاد نیست و مواردی مانند خواهر، مادر، عمه، خاله و غیره به عنوان محرمات بوده و مواردی نیز مانند مادرزن و خواهرزن و مانند آن به عنوان محرمات مصاهره است. بنابراین، نگرش اسلام در انتخاب زن، غیر از شرایط

۱. دانش آموخته کارشناسی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

عمومی که در کتب فقه مفصل ذکر شده، شرایط خاصی دارد که این شرایط تخصصی، به عنوان مصادیق حرمت در ازدواج شناخته می شوند. اسباب تحریم، سه نوع است: نسب، رضاع و مصاهره. (المحقق الحلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۲۴) آیات قرآن در این زمینه، قسمت مهم ناظر به حرمت نکاح است نه محرمیت. درباره ربیبه از سوره نساء، فقط حرمت نکاح به دست می آید. بعضی از احکام محرمیت از نصوص عبد و أمه دریافت می شود. اینکه مسئله عبد و أمه را فقها حفظ کردند با اینکه بساط عبد و أمه برچیده شد، برای این است که بعضی از نکات فقهی از خصوص روایات عبد و أمه به دست می آید، غیر از آن روایات یا نیست، یا به زحمت به دست می آید که نمونه آن در همین مسئله، ربیبه و مانند ربیبه است.

مسئله حرمت نکاح در سوره نساء، بیان شده است:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ...

(ازدواج با این زنان) بر شما حرام شده است. مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر... (نساء: ۲۳)

حرمت رضاعی در آیه: «... وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ...» و مادرانی که

شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما...» (نساء: ۲۳)، حرمت مصاهره ای در آیه:

وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِمَّنْ نَسَأْتِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَائِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ.

و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامان شمایند (و تحت سرپرستی شما پرورش یافته اند البته) از همسرانی که با آنها آمیزش داشته اید و اگر آمیزش نداشته اید بر شما گناهی نیست و همسران پسرانتان که از نسل شما هستند (بر شما حرام است) و جمع میان دو خواهر، جز آنچه انجام گرفته باشد. (نساء: ۲۳)

حرمت ازدواج با زنان شوهردار در آیه: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ؛ و ازدواج

با زنان شوهردار بر شما حرام شده، مگر زنانی که مالک شده اید» (نساء: ۲۴) که این هم جداست. پس از آیه سوره مبارکه نساء، بیش از حرمت نکاح به دست نمی آید، محرمیت از آیه سوره مبارکه نور به دست می آید. در سوره نور آمده لازم نیست خودتان را بیوشانید از پدر از برادر و مانند آن، معلوم می شود که اینها محرم هستند. آیه ۳۱ سوره مبارکه نور:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُجُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ.

و زینت خود را آشکار نکنند مگر مقداری که پیداست و مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان ببندازند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنانشان یا بردگان زر خریدشان.

که از اینها محرمیت به دست می‌آید. پس آیه سوره نساء، درباره حرمت نکاح و آیه سوره مبارکه نور، درباره محرمیت است، البته همین محارم در سوره نساء، به عنوان حرمت نکاح آمده‌اند. از آیه سوره نساء، محرمیت ربیبه به دست نمی‌آید: «... وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ...» (نساء: ۲۳). ربیبه، یعنی دخترزنی که شخص می‌خواهد با او ازدواج کند، زنی از قبل ازدواج کرد و دختری دارد و الآن ازدواج مجدد می‌کند، مردی که با این زن ازدواج می‌کند، وقتی مادر را عقد کرد، عقد با دختر جمعاً حرام است نه عیناً. این فرد وقتی مادر را طلاق داد، می‌تواند با آن دختر ازدواج کند، این دو اگر با مادر ازدواج طبیعی کرد و همسری کرد، این دختر برای او حرام ابدی شده و حرمت نکاح دارد، اگر مادر را طلاق داد یا مادر مرد، دیگر نمی‌تواند با او ازدواج کند. آنچه از آیه سوره نساء برمی‌آید فقط حرمت نکاح است: «وَ رَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ»، اما ربیبه، دختر این زن، محرم این مرد است یا نه؟ از این آیه سوره نساء، و از آیه سوره نور بر نمی‌آید.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۱-۲. ربیبه در لغت

رَب، (ع!) در لغت، یعنی دخترزن از شوهر دیگر. جمع، رِبَابِیْب (از مذهب الاسماء). دخترزن. دختر زن که آن را زن از شوهر سابق همراه آورده باشد. دخترزن مرد از غیر او. دختر پس آورد و دخترزن. دخترند، نادختری. دخترزن از شوهر پیش نسبت به شوهر کنونی. دایه و آنچه به جای او باشد. دایه، پرستار کودک، جمع ربایب. (معین، ۱۳۸۶)

### ۲-۲. ربیبه در اصطلاح فقهی

در اصطلاح، به دختری که از شوهر دیگر زن باشد، ربیبه می‌گویند. (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۹/۳۴۹) چون دختر در دامان شوهر مادر خود تربیت می‌شود، او را ربیبه می‌گویند (قرشی، ۱۳۷۱، ۳/۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ۱۵۷/۳). ربیبه، تنها به دخترزن گفته نمی‌شود بلکه اگر نوه آن زن یا دختر رضاعی او نیز باشد، ربیبه است. همچنین نیاز نیست دختر از شوهر قبلی زن باشد بلکه می‌تواند آن دختر از شوهر بعدی آن زن باشد. در این صورت، آن دختر برای شوهر قبلی زن، حکم ربیبه دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۲/۶۳۰).

### ۲-۳. مصاهره در لغت

صهر در لغت به معنای ختن و دامادی است و به اهل بیت زن، اَصهار، و به اهل بیت مرد، اَخْتان، می‌گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۴۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴/۴۷۱) و قرابتی است که در نتیجه نکاح پدید می‌آید (طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۳۷۰). واژه صهر در آیه ۵۴ سوره فرقان در کنار واژه نسب، آمده است. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا؛ و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آنها خویشی نسب و بستگی ازدواج قرار داد، و خدای تو (بر هر چیز) قادر است» (فرقان: ۵۴).

### ۲-۴. مصاهره در اصطلاح

در عبارت فقها، مصاهره، علقه خاصی منشعب از زوجیت است و به علقه بین مرد و ارحام نسبی زن، و علقه بین زن و ارحام مرد تقسیم می‌شود. (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۴۹۵) در تعریف امام خمینی رحمته الله علیه، اثر مصاهره نیز که موجب حرمت ازدواج عینی یا جمعی می‌شود، بیان شده است (خمینی، ۱۳۹۲، ۲/۲۷۷). در تعریف برخی از فقها، ملحقات مصاهره، اعم از سبب ملکیت، تحلیل، وطنی به شبهه، زنا، نظر و لمس به وجه مخصوص داخل شده است (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۹/۲۹۹).

### ۳. حکم ازدواج با ریبیه

افرادی که به سبب مصاهره، حرمت نکاح می‌یابند یا به صورت عینی حرامند و یا به صورت جمعی. آنهایی که به صورت عینی حرامند، حرمتشان ابدی است، ولی افرادی که به صورت جمعی حرمت دارند، حرمتشان موقتی است؛ یعنی مانع ازدواج، یک امر عارضی است که با کنار رفتن این عامل عرضی، مانعی برای ازدواج نخواهد بود. حرمت ازدواج با ریبیه در بعضی موارد به صورت جمعی و در بعضی موارد به صورت عینی و ابدی خواهد بود، که صورت‌های مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۱. ادله حرمت جمع بین ریبیه و ام، قبل از دخول به ام

#### ۳-۱-۱ آیه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَوَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاثُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاثُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنَ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران

همسرانتان و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) میان دو خواهر جمع کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده است؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (نساء: ۲۳)

در این آیه بیان شده است که ربائی که به مادران آنها دخول صورت نگرفته است، ازدواج شما با آنان حرام ندارد و به خاطر اختصار و دلالت سیاق، نکاح از آن حذف شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۶۵/۴) این آیه، حرمت عینی ربیبه را که مربوط به دخول است، بیان می‌کند، اما نسبت به حرمت جمعی ربیبه با ام، چیزی نگفته است. پس این آیه نمی‌تواند از مدارک تحریم ربیبه به صورت جمعی با ام باشد. روایتی وجود ندارد که به طور صریح، حرمت جمعی ربیبه با ام را بیان کرده باشد، مگر روایتی که مکاتبه‌ای است با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آن شرط، جواز نکاح با دخترزن را نبودن مادر در زوجیت آن مرد ذکر کرده است (این حدیث از لحاظ سند، موثق است) (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۴۲۰/۲۰).

### ۲-۱-۳. روایات

روایت صحیح مسعوده بن زیاد که در آن، ده مورد از کنیزکان را حرام دانسته است که یکی از آنها جمع بین مادر و دختر است. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۱۰۶/۲۱) از این روایت دریافت می‌شود که مراد از امه، امه خود شخص است نه مملوک دیگری و انسان نمی‌تواند با امه خویش ازدواج کند. پس روایت، فقط ناظر به حرمت جمع بین مادر و دختر در مباشرت است. بنابراین، این روایت، ارتباطی به اینکه حرمت جمع بین این دو در عقد نکاح است، نخواهد داشت. دلیل دیگر بر اینکه این روایت نمی‌تواند ناظر به جمع در عقد باشد، این است که اگر نخست، دختر به ازدواج درآید، مادر وی حرام ابدی می‌شود که حرمت غیر زوال دارد و این سنخ حرمت، در مورد دختری که به مادر او هنوز دخولی صورت نگرفته، صادق نیست و تنها احتمال حرمت عرفی ازدواج با دختر در زمانی که مادر در زوجیت نکاح است، مطرح است. بنابراین، این روایت هم نمی‌تواند حرمت جمعی بین مادر و دختر را در عقد ثابت کند.

### ۳-۱-۳. اجماع

تنها دلیلی که بر حرمت ربیبه قبل از دخول به ام، به صورت جمعی باقی وجود دارد، اجماع است. (نراقی، ۱۴۰۵، ۳۰۸/۱۹) بنابراین، تنها در صورت انحلال زوجیت مادر، دخترش می‌تواند به زوجیت شوهر مادر درآید.

#### ۴. ادله حرمت عینی ربیبه بعد از دخول به ام

ربیبه در صورتی حرمت عینی و ابدی خواهد داشت که دخول به ام صورت بگیرد. ادله حرمت عبارتند از:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَانُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَانُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ يَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادری که شما را شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید، و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد، و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (نساء: ۲۳)

این آیه به طور صریح، حرمت دختران زن را مشروط به دخول به مادران کرده، اما در کنار قید دخول، قید دیگری نیز ذکر شده و آن «فی حجورکم» است. حجور، جمع حجر به معنای حضانت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۷/۴) و منظور از آن، بیوت و خانه های شوهران جدید است (ابوعبیده، بی تا، ۱۲۱/۱؛ شوکانی، بی تا، ۵۱۲/۱) که در معنای مجازی، به معنی حضانت، تربیت و حمایت شوهران جدید مادران است (بلاغی نجفی، ۱۳۸۸، ۶۸/۲). وجود همین قید باعث شده که عده ای حرمت ربیبه را مشروط به این قید نیز دانسته و ربائبی که در خانه های شوهران جدید نیستند را از حکم حرمت خارج کنند، ولی در نزد فقهای امامیه و جمهور، عامه به غیر از داوود، این قید غالبی بوده و تأثیری در تحریم ندارد (علامه حلی، ۱۴۰۰، ص ۶۳۱). در بیشتر موارد اینطور است که زنانی که از شوهران قبلی خود جدا می شوند، بچه های کوچک خود را با خود به خانه شوهران جدید آورده و تحت حمایت آنها قرار می دهد.

- روایاتی که دخول را در حرمت ربیبه شرط می دانند و بین بودن و نبودن در خانه شوهر مادر، فرق نمی گذارند. (طوسی، بی تا، ۱۵۶/۳) (این روایات از لحاظ سند، ثقه یا حسن است)

- شیخ طوسی در کتاب خلاف خود، ادعای اجماع کرده و بین بودن و یا نبودن در خانه شوهر مادر، فرقی نگذاشته است. (طوسی، بی تا، ۱۵۶/۳) در قانون مدنی نیز، تنها شرط حرمت ربیبه بر شوهر مادر، نزدیکی به مادر دانسته و هیچ اشاره ای به قید بودن در خانه مرد جدید، نشده است

کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۶۴۰). در ماده ۱۰۴۶ آمده: «بین مرد با انان از اولاد زن از هر درجه که باشد، هر چند رضاعی، مشروط بر اینکه بین زن و شوهر، زناشویی واقع شده باشد، ممنوعیت دائمی نکاح به واسطه مصاهره، ایجاد می شود».

## ۵. حکم ازدواج با ربیبه در اثر وطی به شبهه با مادر

در اینکه نشر حرمت مصاهره در مورد ربیبه از طریق دخول شرعی به مادرش صورت می گیرد، اختلافی نیست. دخول در آیه ۲۳ سوره نساء، کنایه از جماع است. (طبرسی، ۱۳۹۰، ۱/۲۴۷)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَالُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَالُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَزَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادری که شما را شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند، نه پسرخوانده ها و نیز حرام است بر شما جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است.

### ۵-۱. ادله عدم نشر حرمت با وطی به شبهه

وطی به شبهه به این صورت است که در نتیجه نکاح فاسد یا خرید فاسد که علم به فساد آنها نداشته باشد، نزدیکی صورت بگیرد و یا اینکه با زنی، به گمان اینکه زن یا کنیز اوست، نزدیکی کند و مواردی از این قبیل در زمره وطی شبهه قرار می گیرند. حرمت مصاهره، بدون هیچ اختلافی، با نکاح صحیح محقق می شود (علامه حلی، ۱۴۰۰، ص ۶۳۱). در رابطه با تحقق حرمت مصاهره با وطی به شبهه، تردد است و بنا بر قول صاحب شرائع، وطی به شبهه، نشر حرمت نمی کند، اگرچه نسب به آن ملحق می شود (محقق حلی، ۲/۲۳۳). بنا بر نظر مشهور، وطی به شبهه در صورتی که سابق بر نکاح باشد در تحقق حرمت مصاهره، مانند نکاح صحیح است، اما اگر بعد از نکاح باشد، نکاح سابق بر حلیت خود باقی مانده و موجب حرمت مصاهره نمی شود (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۷۴/۲۹). دلیل اینکه نکاح سابق، باطل نمی شود این است که نکاح سابق به طور صحیح واقع شده و حال شک این است که آیا با وقوع نزدیکی به شبهه، حرمت مصاهره محقق می شود تا در

نتیجه آن، نکاح قبلی نیز، حرمت یابد یا خیر؟ چون دلیل قطعی بر مبطل بودن، وطی به شبهه نیست در نتیجه اصل استصحاب به قوت خود باقی می ماند و با نزدیکی به شبهه، نکاح سابق به هم نمی خورد. دلیل دیگر، روایت معروفی است که می فرماید: «چیز حلال را، حرام نمی تواند برهم زند» (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۲۰/۴۲۶). این روایت، اگر چه عمل حرام را مانع برهم زدن عمل حلال می داند، به طریق اولویت، کارهای پایین تر از حرام نیز چنین قوتی نخواهند داشت که به عمل حلال ضرر بزنند. بنابراین، نزدیکی به شبهه که عمل حرامی نیست، نمی تواند مبطل نکاح سابق شود. در قانون مدنی، نزدیکی به شبهه را از حیث مانعیت نکاح در صورتی مانند حکم نزدیکی با نکاح صحیح میدانند که سابق بر نکاح باشد. به تعبیر دیگر، اگر ابتدا عقد نکاح صورت بگیرد و سپس با مادر یا خواهر او نزدیکی به شبهه کند، نکاح قبلی، باطل نخواهد بود و در حکم حلیت خود باقی می ماند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۶۴۲). در ماده ۱۰۵۵ آمده: «نزدیکی به شبهه و زنا، اگر سابق بر نکاح باشد از حیث مانعیت نکاح در حکم نزدیکی با نکاح صحیح است، ولی مبطل نکاح سابق نیست».

## ۵-۲. ادله نشر حرمت مصاهره با وطی به شبهه

### ۵-۲-۱. اجماع

وطی به شبهه، حکم نکاح صحیح را دارد و تمامی آثار نکاح صحیح بر آن باری شود و حتی فرزند متولد از آن هم مشروع است، پس تحریم بالمصاهره هم، به آن تعلق می گیرد. (علامه حلی، ۱۴۰۰، ص ۶۳۰) و بدون هیچ اختلافی، وطی به شبهه نیز موجب انتشار حرمت می شود (طوسی، بی تا، ۲۰۸/۴).

### ۶. حکم ازدواج با ریبیه در اثر زنا با مادر

در رابطه با اینکه آیا زنا، موجب حرمت مصاهره می گردد یا خیر؟ مورد اختلاف است. ابن حمزه در کتاب الوسیله و ابن زهره در غتیه، قائل به انتشار حرمت از طریق زنا شده اند. به طوری که زنا با زن، موجب حرمت نکاح دختر مزنیبهها، برزانی خواهد بود. (ابن حمزه، ۱۹۸۶، ص ۲۹۲) عده ای دیگر مانند شیخ مفید و ابن ادریس، زنا را سبب انتشار حرمت مصاهره نمی دانند (مفید، بی تا، ص ۵۰۴؛ حلی، ۱۴۰۹، ۲/۵۲۶). برخی نیز قائل به تفصیل شده و زنا را سابق بر عقد را موجب حرمت دانسته، ولی زنا را لاحق را موجب حرمت نمی دانند. این قول اصحاب امامیه است که زنا را قبل از عقد، موجب تحریم مصاهره است. چنانچه نکاح صحیح، موجب تحریم به سبب مصاهره می شود، زنا را قبل از عقد نیز سبب تحقق حرمت مصاهره می شود. ولی زنا را بعد از عقد، موجب تحریم

نمی‌شود، یعنی نکاح قبلی به صحت خود باقی می‌ماند (محقق حلی، ۱۳۸۶، ۶۳/۲). برخی مانند ابن جنید، درباره زنا بعد از عقد، قائل به تفصیل بوده و تنها در صورتی که در نکاح قبلی، نزدیکی صورت نگرفته باشد، زنا بعد از عقد، موجب انتشار حرمت خواهد بود، ولی با وقوع نزدیکی در عقد سابق، تأثیری برای زنا لاحق نخواهد بود (اسکافی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۸).

## ۱-۶. ادله تفصیل بین زنا سابق بر عقد و زنا لاحق بر عقد

۱-۱-۶. آیه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتِ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَبَنَاتُهُنَّ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَالَاتُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (نساء: ۲۳)

برخی برای نشر حرمت نکاح با ریبیه به سبب زنا با ام، به آیه ۲۳ سوره نساء متوسل شده‌اند و با توجه به عمومیت دخول در آیه، هم دخول شرعی و هم غیر شرعی را در حکم داخل دانسته‌اند. شیخ طوسی در کتاب التبیان و شیخ طبرسی در مجمع البیان با استناد به عمومیت آیه ۲۳ سوره نساء، زنا را موجب نشر حرمت می‌داند؛ زیرا نکاح، هم به وطی اطلاق می‌شود و هم به عقد، پس واجب است که به هر دوی آنها حمل شود. (طوسی، بی تا، ۱۵۵/۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ۴۵/۳). مکارم شیرازی با دو دلیل، استدلال به آیات قرآن را در زمینه اثبات عناوین اربعه مصادره در مورد زنا را بسیار بعید می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۳۴/۳). دلیل اول اینکه با استقراء در معنای نکاح، به دست می‌آید که لفظ نکاح در همه جای کتاب الله به معنای عقد است و فقط در مطلقه ثلاثه (۲۳۰ بقره) احتمال دارد که نکاح به معنای دخول باشد که آن هم به معنی زنا نیست، بلکه به معنی عقد همراه دخول است که ممکن است در اینجا نیز به معنای عقد باشد و دخول از دلیل خارج دریافت شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۳۴/۳). دلیل دوم بر رد استدلال به آیه ۲۲ سوره نساء، اتحاد سیاق

در آیه است. به این صورت که در خود آیه، دلیل بر ضد وجود دارد؛ زیرا اگر نکاح را بتوان به معنی زنا گرفت، «لاتنکحوا» به معنی ازدواج و در مقام بیان محرمت نکاح است و آیه در مقام بیان حرمت زنا نیست؛ زیرا زنا بر همه حرام است نه اینکه فقط زنا با مزنی بهای پدر حرام باشد، پس «لاتنکحوا» به معنی عقد است، حال چطور در یک عبارت، یک بار نکاح به معنی عقد و در جای دیگر به معنی زنا است؟ در حالی که این خلاف سیاق آیه است. بدون شک، نکاح در آیه به معنی عقد است. آیه ۲۳ سوره نساء می‌فرماید: «وأمهات نساءکم». در اینجا نساء به معنای همسر است نه مزنیها. در نتیجه استدلال به این آیه با داخل کردن زنا در حکم نشر حرمت مصاهره، مخدوش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۳۴/۳).

#### ۲-۱-۶. روایات

اختلاف نظر فقها درباره تحقق حرمت مصاهره به سبب زنا، ناشی از اختلاف روایات است که به چهار دسته تقسیم می‌شود.

- در برخی از روایات، زنا در انتشار حرمت، مانند نکاح صحیح دانسته شده که به طور مطلق قبل از عقد یا بعد از عقد، سبب ایجاد حرمت نکاح می‌شود. از جمله این روایات، روایت محمدبن مسلم است که در آن درباره مردی که با زنی فجور کرده، سؤال شده که آیا می‌تواند با دختر آن زن، ازدواج کند؟ پاسخ داده شده خیر، نمی‌تواند ازدواج کند. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۴۲۳/۲۰) این روایت بدون اشاره به زنا سابق و لاحق، زنا را به طور مطلق موجب ممنوعیت نکاح می‌داند.

- در برخی دیگر از روایات، زنا به طور مطلق، سبب تحقق حرمت مصاهره نمی‌شود. مانند روایت سعیدبن یسار که در آن از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با زنی زنا کرده، سؤال شده که آیا می‌تواند با دختر آن زن، ازدواج کند؟ امام فرمود بله؛ زیرا حرام، سبب فساد حلال نمی‌شود. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۴۲۵/۲۰)

- این دسته از روایات، بین زنا سابق و لاحق، تفصیل قائل شده و زنا سابق بر عقد را موجب تحقق حرمت مصاهره دانسته، ولی زنا لاحق را چنین ندانسته است. از جمله روایت محمدبن مسلم است که در آن، فجور را سبب تحقق حرمت مصاهره دانسته، اما در صورتی که بعد از عقد نکاح، با مادر یا خواهر زنش فجور کند، زن سابق حرمت نخواهد داشت؛ زیرا عمل حرام، باعث فساد عمل حلال نخواهد بود. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۴۲۸/۲۰)

- این دسته از روایات، زنا لاحق را در صورتی که در عقد سابق، نزدیکی صورت گرفته باشد، موجب حرمت نمی‌داند. مانند روایت ابی صباح کنانی که می‌فرماید:

زمانی که مردی با زنی فجور کند، دختر آن زن، بر آن مرد، هرگز حلال نخواهد بود و اگر دختر

زنی را قبل از فجور به آن زن (مادر همسرش) به ازدواج خود درآورد در حالی که هنوز به همسر خود دخول نکرده، نکاح او باطل خواهد بود و اما اگر دختر زنی را به تزویج خود درآورد و دخول هم صورت گرفت، سپس با مادر آن دختر، فجور کرد، نکاح دختر آن زن، به دلیل این سخن که حرام، چیز حلال را فاسد نمی‌کند، به صحت خود باقی می‌ماند. این حدیث از لحاظ سند، مجهول است. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۲۰/۴۳۰)

به دلیل ضعیف بودن این خبر، جماعتی از اصحاب اجماع از آن عدول کرده و زنا را لاحق را به طور مطلق، موجب انتشار حرمت ندانسته‌اند. حال با این روایات متفاوت که گاه با یکدیگر تعارض پیدا می‌کنند، چه باید کرد؟ جمع بین روایات متعارض از کنار زدن آنها بهتر است، پس روایاتی که به طور مطلق، حکم به انتشار حرمت می‌کنند، بر موردی که زنا، سابق بر عقد باشد، حمل می‌شود و روایاتی که در به طور مطلق، زنا را سبب انتشار حرمت نمی‌دانند، بر موردی که متأخر از نکاح باشد، حمل می‌شود. این جمع از شهید ثانی نقل شده است. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۲/۸۷) از میان سه دسته اول از روایات، روایات دسته سوم که قائل به تفصیل است، به عنوان صحیح‌ترین اقوال انتخاب می‌شود، اما روایات دسته چهارم نیز به دلیل ضعیف بودن و مخالف مشهور بودن از درجه اعتبار ساقط می‌شوند (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۹/۳۶۴).

#### ۱-۳-۶. اجماع

قول به نشر حرمت از طریق زنا، مورد اتفاق نظر بیشتر فقهاست، بلکه نظر مشهور است و حتی در نظر متأخرین، نزدیک به اجماع است. (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۹/۳۶۹)

#### ۷. حکم ازدواج با ربیبه در اثر خلوت با مادر

خلوت با زن، یکی از مسائل بحث برانگیز درباره حرمت مصاهره است. آیا خلوت با زن، مانند دخول، موجب حرمت مصاهره می‌شود یا خیر؟ خلوتی که موجب تحقق حرمت مصاهره می‌شود، خلوتی است که صحیح باشد. به تعبیر دیگر، مانع شرعی و طبیعی برای نزدیکی، بین زن و مرد نباشد و در مکانی باشد که از اطلاع دیگران در امان باشد. (سرخسی، بی‌تا، ۶/۴۱۶)

#### ۸. ادله عدم حرمت نکاح ربیبه به سبب خلوت با ام

##### ۸-۱. کتاب

آیه ۲۳ سوره نساء، تنها شرط دخول به ام را سبب حرمت نکاح ربیبه دانسته و در ادامه بیان کرده که اگر دخول نکردید، حرجی بر شما نیست در ازدواج با آن دختران. در نتیجه، خلوت از اموری که

بتواند سبب حرمت نکاح باشد، به حساب نمی‌آید.

## ۸-۲. اصل اباحه اصل

در نکاح، حلیت است، مگر آنکه حرمت آن، با دلیل بیان شده باشد و آنچه که حرمت آن با دلیل بیان شده، دخول است نه خلوت.

## ۹. حکم ازدواج با ریبیه در اثر نظر و لمس با شهوت

در رابطه با اینکه آیا نظر و لمس با شهوت نیز در حرمت نکاح، حکم وطی را دارد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد، اما آنچه که در آن اجماع وجود دارد این است که نظر به وجه و کفین، چه با شهوت و چه بدون آن، سبب نشر حرمت نمی‌شود. (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۴۹/۲۹) در غیر این موارد، اختلاف نظر وجود دارد. شهید ثانی و امام علیه السلام از کسانی هستند که حرمت نکاح از طریق نظر و لمس را مختص به مملوکه پدر و پسر و مقرون به شهوت دانسته‌اند، ولی در غیر مملوکه، برای نظر و لمس به شهوت، اثری در حرمت ملموسه و منظوره بر پدر لاس و ناظر و پسر آنها و همچنین حرمت مادر منظوره و ملموسه بر ناظر و لاس وجود ندارد (شهید ثانی، بی‌تا، ۷۸/۲؛ خمینی، ۱۳۹۲، ۲۷۸/۲). برخی مانند ابن جنید، نظر و لمس به شهوت را در غیر مملوکه پدر و پسر، مانند حکم دخول دانسته و سبب ایجاد حرمت می‌دانند (ابن جنید، ۱۴۱۰، ۲۴۹).

## ۱۰. ادله عدم نشر حرمت مصاهره به سبب نظر و لمس با شهوت

### ۱۰-۱. آیه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَزَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنَ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادری که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (نساء: ۲۳)

آیه ۲۳ سوره نساء به طور صریح، تنها دخول به ام را سبب حرمت ربیبه میداند. در نتیجه، موارد ذکر شده از حکم دخول خارج می شوند و چون آیه در مقام بیان حرمت نکاح بود، اگر این موارد در حکم دخیل بودند، بیان می کرد در حالی که بیان نشده است. اگرچه برخی مانند شیخ طوسی، نظر و لمس به شهوت را جاری مجرای دخول دانسته و نشر حرمت را از طریق آن جاری می داند. (طبرسی، ۱۳۹۰، ۴۸/۳؛ طوسی، بی تا، ۱۵۸/۳)

#### ۱۰-۲. روایات

روایات موجود در این زمینه به دو بخش تقسیم می شود، روایاتی که مباشرت کمتر از دخول با مادر را موجب حرمت دختر نمی دانند، و روایاتی که مباشرت کمتر از دخول را موجب حرمت می دانند.

#### ۱۰-۲-۱. روایات دسته اول

روایتی است از منصور بن حازم که از امام صادق علیه السلام، درباره مردی که با زنی فجور کرده، سؤال می کند که آیا این مرد می تواند دختر آن زن را بگیرد یا خیر؟ امام در جواب می فرماید: «اگر از قبیل بوسه و مانند آن باشد، اشکالی ندارد که دختر آن زن را بگیرد، ولی اگر از قبیل زنا باشد، نمی تواند دختر او را بگیرد. این حدیث از لحاظ سند، صحیح است.» (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۴۲۶/۲۰) روایتی از عیص بن قاسم که از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با زنی مباشرت کرده ولی به حد افضاء یا دخول نکشیده و سپس می خواهد با دختر آن زن ازدواج کند، سؤال می کند که امام فرمود: «اگر افضاء یا دخول با مادر آن دختر رخ ندهد، ازدواج با دختر آن زن، اشکالی ندارد، ولی اگر به افضاء یا دخول بکشد، دختر آن زن را نگیرد. این روایت از لحاظ سند، صحیح است.» (طوسی، بی تا، ۳۳۰/۷). این روایات، هر نوع مباشرتی که کمتر از دخول باشد را سبب حرمت نکاح ربیبه نمی داند، بلکه تنها دخول است که سبب حرمت می شود.

#### ۱۰-۲-۲. روایات دسته دوم

روایات متعارضی است که در آنها، مباشرت کمتر از دخول با مادر، سبب اشکال در تزویج دختران آنها می شود:

(الف) روایتی از ابی ربیع:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با زنی تزویج کرده، سؤال می کنند و از او دیده آنچه را که دیدنش بر دیگری حرام است و سپس او را طلاق داده، آیا می تواند دختر آن زن را بگیرد؟ امام علیه السلام فرمود: «آیا آن دختر برای او صلاحیت تزویج داشته باشد در حالی که از مادرش دیده، آنچه را که دیدنش بر دیگری حرام است.» (این روایات از لحاظ سند، مجهول است).

(طوسی، بی تا، ۲۸۰/۷)

ب) روایتی از محمد بن مسلم:

محمد بن مسلم از امام علیه السلام درباره مردی که زنی را تزویج کرده و به سرو بعضی از قسمت های بدن او نگاه کرده، سؤال میکند که آیا میتواند دختر او را به تزویج خود درآورد؟ امام علیه السلام می فرماید: «زمانی که از آن زن، آنچه را که دیدنش بر دیگری حرام است، دیده باشد، نمی تواند دختر او را تزویج کند». (این روایات از لحاظ سند، صحیح است). (طوسی، بی تا، ۲۸۰/۷)

شیخ طوسی، این دو روایت متعارض را حمل بر کراهت کرده، نه اینکه بیان گر ممنوعیت باشند؛ زیرا آنچه اقتضای ممنوعیت می کرد، بر اساس ظاهر قرآن، واقعه بود نه نظر و لمس به شهوت. (طوسی، بی تا، ۲۸۰/۷)

ج) اصل اباحه: بر اساس آیه ۲۴ سوره نساء که بعد از آیاتی که در مقام بیان محرمات نکاح آمده، می توان اصل کلی اباحه را در این زمینه استنتاج کرد و قائل شد که نظر و لمس به شهوت، نمی تواند حکم دخول را داشته باشد تا سبب حرمت ریبه شود. (حلی، ۱۴۰۸، ۲/۵۲۸)

## ۱۱. محرمات بالمصاهره جمعاً و موقتاً

۱-۱۱. حرمت جمع بین ریبه و ام، قبل از دخول به ام

۱-۱۱. آیه ۲۳ سوره نساء

حَرِّمْتُ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ وَعَمَّاتِكُمْ وَخَالَاتِكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْتِكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخواندها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ زیرا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (نساء: ۲۳)

مطابق آیه ۲۳ سوره نساء ربائبی که به مادران آنها دخول صورت نگرفته، «فلا جناح علیکم»،

یعنی ازدواج شما با آنان حرمت ندارد و به خاطر اختصار و دلالت سیاق، نکاح از آن حذف شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۶۵/۴) این آیه، حرمت عینی ربیبه را که مربوط به دخول است، بیان می‌کند، اما نسبت به حرمت جمعی ربیبه با ام، چیزی نگفته، پس این آیه نمی‌تواند از مدارک تحریم ربیبه به صورت جمعی با ام باشد. روایتی که به طور صریح، حرمت جمعی ربیبه با ام را بیان کرده باشد، نیست، مگر روایتی که مکاتبه‌ای است با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَهُ الشَّرِيفُ که در آن شرط، جواز نکاح با دخترزن را نبودن مادر در زوجیت آن مرد ذکر کرده است. (این حدیث از لحاظ سند، موثق است) (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۲۰/۴۲۰).

#### ۱۱-۲. روایات

روایت صحیح مسعده بن زیاد که در آن، ده مورد از کنیزکان را حرام دانسته که یکی از آنها، جمع بین مادر و دختر است. (حرعاملی، ۱۳۸۹، ۲۱/۱۰۶) اگرچه این روایت از نظر سند، به دلیل صحیح بودن مشکلی ندارد، ولی به دلیل دلالت، قابل بحث است. ظاهر این روایت، ناظر به حرمت جمع در مباشرت است نه در عقد، و این از سیاق روایت یا قدر متیقن آن دریافت می‌شود که مراد از امه، امه خود شخص است نه مملوک دیگری و انسان نمی‌تواند با امه خویش ازدواج کند، پس روایت، تنها ناظر به حرمت جمع بین مادر و دختر در مباشرت است. بنابراین، این روایت، دیگر ارتباطی به این ندارد که حرمت جمع بین این دو در عقد نکاح است، نخواهد داشت. دلیل دیگر بر اینکه این روایت نمی‌تواند ناظر به جمع در عقد باشد، این است که اگر نخست، دختر به ازدواج درآید، مادر وی حرام ابدی می‌شود که حرمت غیر زوال دارد و این سنخ حرمت در مورد دختری که به مادر او هنوز دخولی صورت نگرفته، صادق نیست و تنها احتمال حرمت عرفی ازدواج با دختر در زمانی که مادر در زوجیت نکاح است، مطرح است، پس این روایت هم نمی‌تواند حرمت جمعی بین مادر و دختر را در عقد ثابت کند.

#### ۱۱-۳. اجماع

تنها دلیلی که بر حرمت ربیبه قبل از دخول به ام به صورت جمعی باقی می‌ماند، اجماع است. (نراقی، ۱۴۰۵، ۱۹/۳۰۸) بنابراین، تنها در صورت انحلال زوجیت مادر، دخترش می‌تواند به زوجیت شوهر مادر دربیاید.

#### ۱۱-۴. فتوای برخی از مراجع عظام

یکی از زنانی که به مرد محرم است، ربیبه، یعنی دخترزن است که از شوهر دیگر باشد، چه از شوهر قبل باشد، چه از شوهر بعد، یعنی اگر زن طلاق بگیرد و شوهر جدید اختیار کند و از او دختردار شود،

آن دختر هم ربیبه شوهر قبل حساب می‌شود و به او محرم است، و همچنین اگر پسر زن، دختردار شود، آن دختر هم ربیبه حساب شده و محرم است. البته محرمیت ربیبه، مشروط بر این است که مرد با مادر او، عروسی یا دخول کرده باشد و قبل از آن، ربیبه محرم نیست.

### اول) فتوای مرجع تقلید، آیت الله خامنه‌ای

سوال: آیا ربیبه قبل از دخول به ام محرم است یا خیر؟

پاسخ: جواب این حکم اجماعی هست و اختلافی نیست و نظر همه فقهای اسلام، محرمیت ربیبه بعد از دخول هست. در کتاب العروه الوثقی باب نکاح، فصل المحرمات بالمصاهره آمده: «تحرم علی الزوج أم الزوجة وإن علت نسبتاً أو رضاعاً مطلقاً، و کذا بنتها وإن نزلت بشرط الدخول بالأُم، سواء كانت فی حجره أم لا وإن کان تولدها بعد خروج الأم عن زوجیتها یا حق».

### دوم) فتوای مرجع تقلید، آیت الله مکارم شیرازی

سؤال: مردی با زن بیوه‌ای که دختری از شوهر قبلی دارد، عقد کرده و با آن زن طریق دبری یا مقعدی دخول هم انجام داده، البته از طریق واژن دخول انجام نداده است، آیا می‌تواند بعد از فوت آن زن، یا بعد از طلاق یا بخشیدن مدت صیغه یا اتمام مدت صیغه با دختر آن زن که از شوهر قبلی هست، ازدواج موقت یا دائم کند؟ و آیا دخول مقعدی با زن یا دختر، بدون ازدواج، حکم زنا را دارد یا خیر؟ آیا برای زن صیغه‌ای که فقط دخول مقعدی انجام شده، بعد از اتمام مدت، برای او عده لازم هست؟

پاسخ: در صورت نزدیکی با زن، چه دخول در دبر باشد یا قبل، دختر او به مرد محرم شده و در آینده نیز نمی‌تواند با او ازدواج کند. اگر بدون خواندن عقد، دخول در دبر حاصل شود، حکم زنا دارد و موجب حد نیز خواهد بود. احتیاط واجب، رعایت عده است. (علیان نژادی، ۱۳۹۵، ص ۵۱)

### سوم) فتوای مرجع تقلید، آیت الله سیستانی

سؤال: ربیبه به چه کسانی محرم است و چه کسانی با او محرم هستند؟

پاسخ: دختر و نوه‌های زن، محرم ابدی هستند به شرط اینکه آن زن و مرد، دخول داشته باشند، اعم از اینکه نوه دختری یا پسری باشد، عقد دائم یا موقت، دختر در خانه او باشد یا نباشد. این مطلب با آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن» منافات ندارد؛ زیرا «فی حجورکم» در آیه شریفه، قید غالب است نه دائم، دختر در زمان عقد متولد شده باشد یا نباشد، دخول از دبر یا قبل باشد، دخول کامل باشد یا به مقدار حشفه یا مقداری از آن، دخول در خواب باشد یا بیداری، دخول به اختیار باشد یا جبریکی از

زن یا مرد. نکته‌ای که باید بیان کرد این است که انزال برفرج، یعنی ورود منی به داخل رحم، بدون دخول کفایت نمی‌کند، حتی اگر به این وسیله زن حامله شود. به فتوای مرجع معظم تقلید، ازدواج با ربیبه، چنانچه نزدیکی بین پدرخوانده و مادر صورت گرفته، دختر زن ربیبه، محرم ابد است، اما اگر دخول انجام نشده، تا زمانی که زن یا مادر ربیبه در عقد او است، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند با دختر او ازدواج کند، اگرچه نامحرم هستند. بعد از طلاق همسر، اگر دخول صورت گرفته باشد، ربیبه تا آخر عمر، به انسان محرم است و اگر صورت نگرفته، ربیبه نامحرم و پس از طلاق پدرخوانده از مادر، ازدواجشان جایز است. پدر مرد یا برادرهای مرد نیز به ربیبه نامحرمند و اگر مردی زنش را که با او رابطه زناشویی داشته، طلاق دهد و سپس این زن با مرد دیگری ازدواج کند و از او بچه دار شود، شوهر قبلی این خانم، به دختران این زن محرم هست.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

خداوند سبحان بین زن و مرد، مودت و دوستی ایجاد کرد تا بتوانند با یکدیگر زندگی کنند، آن‌گونه که در آیه ۲۳ سوره نساء، به حرمت ازدواج با محارم اشاره شده، اما برخی روایات از پیامبر اسلام (ص) نیز مکمل این دستور اسلام بوده و به هر صورت، ابعاد و چهارچوب مقوله محرمیت در قرآن و روایات، به وضوح مشخص شده است. اسباب محرمیت، نسب، رضاع و مصاهره است. اسباب تحریم نکاح که در ارتباط با محرمیت و جواز نظر است، منحصر در سه دسته نسب، رضاع، مصاهره و ربیبه است. البته همه این موارد نیز از محارم نیست؛ زیرا قرابت نسبی حاصل از شبیهه و زنا، اگرچه جزو محرمات نسبی باشد، ولی محرمیت در آنها جاری نیست؛ زیرا محرمیت در محرمات نسبی، مختص به موارد نکاح صحیح و بدون شبیهه است. در باب مصاهره، افرادی که حرمت نکاح دارند در صورتی محرم خواهند بود که فقط از راه مصاهره مشروع باشد و در رابطه با ربیبه، علاوه بر شرط مشروع بودن، شرط نزدیکی به مادر نیز در تحقق محرمیت ربیبه، لازم است. اگر هر یک از موارد حرمت نکاح و محرمیت در مجموعه‌هایی در نظر گرفته شود، محارم به خاطر کوچک بودن مجموعه شان و قرارگرفتن در مجموعه بزرگ محرمات نکاح، حرمت نکاح خواهند داشت، ولی محرمات نکاح در دایره کوچک محارم نیستند. این نوع رابطه، به عنوان رابطه عموم و خصوص مطلق شناخته می‌شود که بین محارم و محرمات، نکاح برقرار است، پس می‌توان گفت که هر محرمی، حرمت نکاح دارد، ولی هر حرمت نکاحی نمی‌تواند موجب محرمیت شود.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، (۱۴۰۹). *المنتخب فی التفسیر التبیان*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲. ابن منظور (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. ابو عبیده، محمد بن عمر (بی تا). *مجاز القرآن*. قاهره: مکتبه الخانجی.
۴. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶). *مجموعه فتاوی ابن جنید*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۳۸۸). *آلاء الرحمن فی التفسیر القرآن*. محقق: بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی، قم: وجدانی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: دار الاحیاء التراث العربی.
۷. حلی، فخرالمحققین (۱۳۸۶). *ایضاح*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۸. حلی، محقق (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. مؤسسه نشر آثار.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ قرآن الکریم*. بیروت: الدار الشامیه.
۱۱. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵). *فقه القرآن*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۲. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷). *المسائل الناصریات*. تهران: رابطه الثقافة والعلاقات الإسلامیة.
۱۳. شوکانی، محمد (بی تا). *فتح القدر*. قاهره: عالم الكتاب قاهره.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *تفاسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. مترجم: بیستونی، محمد. قم: بیان جوان.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. قم: مکتبه المرتضویه.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان*. قم: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. طوسی، محمد حسن (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. علامه حلی (۱۴۱۴). *تذکره الفقهاء*. قم: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۰). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۱. علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). *احکام ویژه مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدله) (۶۰۰ مسئله مورد نیاز)*، چاپ دیجیتالی، ناشر: امام علی بن ابی طالب ع.
۲۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام.
۲۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *حقوق مدنی خانواده*. بهمن برنا.
۲۵. کاظمی، فاضل، جواد بن سعد (بی تا). *مسالك الافهام الی آيات الاحکام*، بی جا.
۲۶. مشکینی، علی (۱۳۷۴). *اصطلاحات الاصول و معظم الابحاثها*. قم: نشر الهادی.
۲۷. معین، محمد، (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
۲۸. مفید (۱۴۱۳). *المقنعه*. قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). *النکاح*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۰. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱). *نهایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. موسوی، شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵). *الانتصار فی إنفرادات الإمامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. نزقی، احمد (۱۴۰۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.